



جلائیان! پس از بستری شدن در بیمارستان امام حسین (ع) تربت حیدریه، پزشکان هرچه در توان داشتند برای نجاتش به کار بستند. اما با وجود تمام تلاش ها «راخله اکبری» دچار عارضه مرگ مغزی شد. پس از بررسی وضعیت جسمانی او و تأیید مرگ مغزی این زن مصمت و یک ساله، خانواده اش با پیشنهاد اهدای عضو موافقت کردند و بیکر این مرحوم برای اهدای عضو به بیمارستان منتصریه مشهد منتقل شد. پس از تأیید دوباره و نهایی مرگ مغزی مرحوم اکبری، بیکر او به اتاق جراحی منتقل شد و در آنجا کیدش به مردی پنجاه و هفت ساله ساکن مشهد پیوند زده شد. در ادامه نیز قرنیه ها و بخشی از پوست این مرحوم برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی و بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) منتقل شد.

باند پراید زدها متلاشی شد

بخشدها راسته کار و شرگردشان فقط سرقت پراید و قطعات داخلی این مدل خودرو بود. اعضای این باند نیمه های شب با خودرو سرقتی به دنبال پراید جدیدی در سطح شهر می گشتند و هر پرایدی را که بدون تجهیزات ایمنی بود، سرقت می کردند یا دست کم قطعات داخلی اش را می ربودند. گزارش های سرقت از پراید در مناطق مختلف مشهد باعث شد با دستور سردار احمد نگهبان، جانشین فرمانده انتظامی استان، پرونده ای ویژه در اداره مبارزه با سرقت خودرو پلیس آگاهی مشهد باز شود. کارآگاهان پلیس در بررسی های میدانی و رصد دوربین های مدار بسته توانستند اعضای این باند را که متشکل از سه نفر بودند، شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی در دو عملیات ضربتی دستگیر کنند. مأموران همچنین در بازرسی از مخفیگاه متهمان در منطقه سیدی، موفق به کشف یک دستگاه سواری پراید هاچ بک و تعداد زیادی وسایل مسروقه داخل خودروها، پنج دستگاه تلفن همراه و... شدند. متهمان که در ابتدا منکر انجام هرگونه جرمی بودند، در رویارویی با ادله و مستندات پلیسی، به سرقت پنج دستگاه سواری پراید و ۳۵ فقره سرقت قطعات و محتویات داخل خودرو در سطح شهر مشهد اعتراف کردند.

مشتری خوش حساب جعلی



جلائیان! برای فروشنده، جوانی که بدون چانه زدن فقط خرید می کرد یک مشتری خوب به حساب می آمد تا اینکه مشتری اش رفت و دقایقی بعد متوجه جعلی بودن تمامی چک پول هایی شده که از دست مشتری اش گرفته بود. صاحب این واحد تجاری در بولوار رجباب در عصبانیت به دنبال این مشتری گشت، اما در نهایت ناامید شد و موضوع را با پلیس درمیان گذاشت. دقایقی بعد از این گزارش، مأموران کلانتری قاسم آباد با حضور در این واحد تجاری و بررسی دوربین های مدار بسته، جست و جوی خود برای دستگیری متهم را که یک جاره بود، آغاز کردند. جست و جویی که پس از شناسایی متهم در خیابان های اطراف این واحد تجاری و دستگیری او و کشف چک پول های تقلبی اش خیلی زود به نتیجه رسید. به گفته سرهنگ محمد چراغ، جانشین فرمانده انتظامی مشهد، مأموران پس از شناسایی و دستگیری متهم در بازرسی بدنی از وی موفق به کشف ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان چک پول جعلی شدند.

برخورد مرگ بار در تپه سلام

جلائیان! برخورد یک کامیون با سواری پژو پارس در محور مشهد- فریمان منجر به مرگ و مصدومیت دو سرنشین خودرو سواری شد. این حادثه دیروز در فاصله دو کیلومتری از تپه سلام رخ داد و یک دستگاه خودرو سنگین که به سمت فریمان در حرکت بود با یک دستگاه پژو پارس که در همین محور تردد می کرد برخورد کرد. در این حادثه یکی از سرنشینان پژو پارس در دم جان باخت و راننده پژو پارس با کمک نیروهای امدادی از خودرو بیرون آورده و برای درمان به بیمارستان منتقل شد.

کولرهای قاچاق خاموش ماند

بخشدها بار را از مرز و شهرهای مرزی گذرانده بود و حالا داشت با خیال راحت به سمت مقصد نهایی اش می رفت، اما بی تجربگی و رانندگی نابهنجارش باعث شد بار کجش لو برود و به مقصد نرسد. مأموران بخش انتظامی احمدآباد در جریان گشت روزانه خود به یک دستگاه وانت آریسان برخوردند که راننده جوان آن رفتار عجیبی داشت. مأموران در ادامه با ممانعت از ادامه تردد این وسیله نقلیه به بازرسی بار خودرو پرداختند که هفت دستگاه کولر گازی قاچاق به ارزش دو میلیارد ریال کشف کردند و راننده نتوانست مدرك گرمکی یا فاکتور خریدی به مأموران ارائه بدهد که نشان دهد این محموله به طور قانونی در حال جابه جایی است و این گونه یک بار کولر قاچاق کشف شد.

اولین جلسه بازرسی متهمی که همسرش را با ۲۴ ضربه کارد کشته بود، برگزار شد

متهم: ناراحت نیستم!

محمدجواد ابوعطا

گزارش

اول تیرماه وارد چهل و هشت سالگی می شود. یازده سال زندگی اش را با همسر دومش گذرانده و حاصل این ازدواج دختری هفت ساله است. «رضا-ب» با مادام شنبه گذشته با حمله به منزل پدر همسرش در چراغچی ۵ باکاردی حدود سی سانتی متر، زنش را کاردآچین کرد که زن در دم جان باخت. او همچنین برادر و خواهر دوقلوی همسرش را نیز از این حمله بی نصیب نگذاشت و هر دو رابه شکل وحشتناکی زخمی کرد. البته پسر شانزده ساله وضعیتش روبه بهبودی است. اما دختر نوجوان این خانواده در کماست و با مرگ دست و پنجه نرم می کند. متهم به قتل، دیروز در حالی با دستور قاضی صادق صفری، بازپرس ویژه قتل، در اولین جلسه بازرسی حاضر شد که نه تنها پشیمان نبود، بلکه صراحتاً اعلام کرد از کشتن همسرش ناراحت نیست.

فکر کردم ۴ضربه زدهام

متهم در این جلسه ضمن معرفی کامل خودش اعلام کرده که سال ها کارمند یکی از مؤسسات مالی و اعتباری بوده که بیرون آمده است و حالا با وانت در خیابان طرحچی (خین عرب) با آن فروش ها کار می کند. او که دوبار ازدواج کرده و بیش از این هیچ سابقه ای نداشته است از بازپرس شعبه ۲۰۸ خواست تا دختر هفت ساله اش را تحویل خانواده همسرش دهندند و او تحویل خواهر خودش شود، زیرا معتقد بود خانواده همسرش صلاحیت نگهداری از فرزندش را ندارند. قاضی صفری اتهام قتل را به متهم تفهیم کرد و از او پرسید چرا ۲۴ ضربه چاقو زدی؟ که متهم مدعی شد متوجه نشده چند ضربه زده است و به گمان خود فقط سه یا چهار ضربه زده است. او در پاسخ به ماجرای حمله به الناز و الیاس خواهر و برادر دوقلوی همسرش نیز اعلام کرد که نمی خواسته به جز همسرش فرد دیگری را بزند، اما در لحظه حادثه آن ها جلو آمده اند و زخمی شده اند و قصد زدن این دو نفر را نداشته است.

سعید جلائیان! وقتی چهار نفری بیکر نیمه جان حسین را از ساختمانی که پدر احمد در آن کار می کرد به سمت بولوار نماز می بردند، هیچ کدام شرایط عادی نداشتند. اما آن قدری حواسشان بود که به فهمند چه اتفاقی برای این رفیقشان افتاده است. می دانستند حالا که با یک نفر کمتر به بولوار توس بازمی گردند، چه عواقبی در انتظارشان است. همه با خود عهد کردند دیگر به این ساختمان لعنتی نبرنگردند. ساختمانی که حسین به دلایل نامشخص از آن سقوط کرده و جان باخته بود. اما پس از گذشتن چند روز از مرگ حسین درست روز بعد از تولدش، با دستور بازپرس جنایی سه نفر از رفقای متوفی که در لحظه حادثه آنجا بودند، با دست و پا های بسته به محل حادثه منتقل شدند تا لحظه به لحظه آن دوره می نحس را برای بازپرس جنایی بازسازی کنند.

با انتقال متهمان به محل حادثه واقع در دقیقی ۲۱، کارگران ساختمان های در حال احداث همان کوچه با دیدن خودروهای پلیس و سه نوجوانی که لباس آبی راه راه به تن داشتند و دست بند زده به سمت ساختمان انتهایی کوچه می رفتند، دست از کار کشیدند.

ما رفیق بودیم

«امیرحسین» نوجوانی که دوست قدیمی متوفی بود، ابتدا با اشاره به سابقه دوستی اش با حسین کوشید هرگونه احتمال اختلاف با او را رد کند. او مدعی شد که دوست قدیمی و هم کلاسی بوده اند و از مدتی قبل نیز همسایه شده اند و همیشه ارتباط نزدیکی با هم داشته اند و در پاسخ به قاضی صادق

روابط خارج از عرف داشت

متهم در پاسخ به اینکه چرا همسرت را کشتی، درحالی موضوع روابط نامشروع را مطرح کرد که مقام قضایی از او پرسید چه زمانی متوجه این موضوع شده است و متهم پاسخ داد: ما سال ۱۳۹۱ با هم آشنا شدیم و ازدواج کردیم. سال ۱۳۹۳ به مدت یک ماه با هم قهر کرده بودیم که فهمیدم با مردی دیگر در منطقه گلرین در بولوار توس رفیق شده است که اتفاقاً آن مرد هم به خاطر زن من زندان افتاد. سال ۱۳۹۷ نیز او را با یک سرباز در تهران گرفتم و به مشهد آوردم در همین ساختمان (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد) قاضی او را محکوم کرد و قرار بود زندان برود که خودم رضایت دادم و آزاد شد. این گذشت تا سال ۱۳۹۹. من صبح ها با خود روییم در تاکسی اینترنتی کار می کردم و عصرها همسرم برای مسافركشی می رفت. یک روز دخترم به من گفت: «بابا شما که می رویی یک آقای می آید سوار ماشین می شود و مامان من را می فرستد صندلی عقب و آن مرد غریبه جلو می نشیند و مامان را می بوسد.» وقتی موضوع را بهش گفتم، مدعی شد که عمویش بوده است. اما وقتی موضوع را به عمویش گفتم، انکار کرد و گفت خیلی وقت است که اصلا زنت را ندیده ام.»

آن شب دعوا کردیم

رضا درباره اختلاف اخیرش نیز مدعی شد که از حدود پانزده روز قبل همسرش به حالت قهر به خانه پدرش رفته بود. من هر روز و هر شب آنجا می رفتم. او هر شب چند بار به تنهایی می رفت بیرون، وقتی برمی گشت مست بود. هر موقع از او می پرسیدم کجا بوده ای؟ می گفت به تو چه که کجا بوده ام. او سر کار می رفت و گاهی که زنگ می زدم با وجود اینکه صدای آهنگ ضبط ماشین می آمد، ادعا می کرد که سر کار است. شب آخر وقتی با جعبه شیرینی آمدم خانه پدر همسرم، دیدم آرایش غلیظ دارد و می خواهد بیرون برود. او و خواهرش با هم بیرون رفتند و سوار یک پراید شدند. خواستم تعقیبشان کنم که گمشان کردم. بعد هر چه به تلفن همراهش زنگ زدم، جواب نمی داد. البته می دانستم

این شگردش است. چون یک ماه قبل ازدواج رسمی. من او را صیغه کرده بودم و یک شب که با هم بودیم، متوجه شدم تلفنش را در حالت سکوت گذاشت و توی کیفش انداخت، وقتی هم برگشتم مادرش خیلی شاکی شده بود. شب آخر ساعت ۲ بود که جواب داد و فحشم داد و تهدید کرد که اگر جرئت داری بیادر خانه، من بهش گفتم بیاسرکوجه، داد کشید و گفت حتما می آم. با بادیگارد هم می آم. آمدم سرکوچه و ایستادم و زنگ زدم جواب نداد. حدس می زدم با پراید و دیگران بیاید. اما نیامد.

چاقو را از خانه برداشتم

متهم درباره صحنه جنایت نیز اعتراف کرد و گفت که شب حادثه کارد دسته بزرگ زرد رنگ را از خانه برداشتم و توی صندوق عقب خودرو گذاشتم. رفتم خانه شان، می خواستم حرف بزنم. برای جابه جایی خودرو که بیرون رفتم، چشمم به همان پرایدی که دنبالش می آمد افتاد و شنیدم که همسرم به آن ها می گوید، برو، برو، برو. ترسیدم که دخالت کنند. چاقو را برداشتم و وارد خانه شدم. قبل از این حادثه یکی از دوستانم می گفت او را نکش، برو پدایشان کن و تحویلشان بده، اما وقتی یک بار تلفنی به او گفتم اگر حقیقت را بگوید طلاقش می دهم، به صراحت ارتباطش با مرد دیگر را اعلام کرد که بهش گفتم حالا که با مرد غریبه بودی، اول چشم هایت را در می آورم و بعد می کشمت. البته با هم توافق کرده بودیم که جدا شویم و او از مهریه اش بگذرد و سرپرستی

بازسازی صحنه سقوط و مرگ مشکوک جوان ۱۷ساله با حضور رفقایاش در محل حادثه برگزار شد

دوره می بدون حسین، برای حسین!



داشت که اتاقک نگهداری بود و این دوره می نشینی در آنجا انجام شده بود. به گفته امیرحسین آن ها به این کانکس می روند و شروع به نوشتیدن مشروبی می کنند که احمد تهیه کرده و همگی دنگ خود را برای این یک و نیم لیتری الکل پرداخت کرده بودند و پنج نفری تمام مشروبات را می خوردند. طوری که دیگر روی پای خودشان بند نبوده اند. به گفته امیرحسین، وقتی بطری تمام شد حال همه ما هم خراب شد. اول من بلند شدم و به یخچال تکیه کردم. حالمان بدتر که شد به همراه بچه ها بیرون رفتم تا هوا بخوریم که چند نفر از ما دچار استفراغ شدید و دو قدم دورتر کنار ستون بالا آوردیم (محل

صفری درباره حادثه سقوط دوستانه که روز جمعه هفتم اردیبهشت رخ داده بود، معترف شد، آن روز می خواستیم مشروب بخوریم و دنبال محل مناسبی می گشتیم که دور هم بنشینیم، بابیشنهاد احمد را هی اینجاشدیدم که روز جمعه کارگران تعطیل بودند و پدرش در اینجا نگهبان است. حسین هم می خواست بیاید. اما من به او چند بار گفتم همراه ما نیاو به خانه برگرد. اما خودش اصرار داشت که بیاید.

تنها بالای ساختمان

امیرحسین و دوستانش به کانکسی اشاره می کنند که در ضلع شمالی ساختمان درحال ساخت قرار



دخترم را هم به من بدهد. آن شب وقتی وارد خانه شدم روی پله ها منتظر پراید نشسته بود. نزدیکش که شدم به سمت اسبری پاشید و عصبانی تر شدم و با چاقو ضرباتی زدم که فکر می کردم سه یا چهار ضربه بوده است. برادر و خواهرش هم برای اینکه نجاتش دهند جلو آمدند که چاقو آن ها را هم گرفت و حتی دست خودم را نیز زخمی کرد.

می خواستم از پدرم حلاوت بگیرم

این مرد همسرکش درباره اینکه چرا نیمه شب به خانه شان رفتی مدعی شد که آن ها همیشه شب ها تا صبح بیدار بودند و ماهواره می دیدند یا جشن تولد و مهمانی می رفتند و تا ساعت چهار عصر هم همیشه خواب بودند. زندگی اش همیشه همین طوری بود، حالا شما تصور کنید که کدام جشن تولد ساعت چهار صبح برگزار می شود. او این اواخر خیلی تغییر کرده بود و مدام فحش می داد. البته من هم گاهی فحش می دادم اما این به خاطر رفتار و توهین های او بود و گرنه من جلو دخترم هیچ وقت حرف بد نمی زنم.

متهم در پاسخ به اینکه چرا به سراغ خانه پدرت رفتی، مدعی شد که می خواستم از پدرم حلاوت بگیرم، چون او از اول با این ازدواج مخالف بود اما چون سه صبح بود و می دانستم پدر و مادر پیرم خواب هستند، منتظر بودم تا صبح شود که دستگیر شدم. بعد هم می خواستم خودم را با تیغ بکشم.

را با دست نشان می دهد که آثار استفراغ هنوز مشهود بود). اینجا بود که فهمیدم حسین از ما جدا شده و دست شویی رفته است. دقایقی بعد همه صدای پایین افتادن چیزی را شنیدیم و فکر کردیم بشکه از بالا افتاده است. احمد رفت طبقات بالا تا ببیند چه اتفاقی افتاده است. ما هم تا ورودی ساختمان رفتیم و دیدیم که حسین درون گودی کنار رمپ افتاده، اصلا نفهمیدم چرا به تنهایی بالای ساختمان رفته بود.

بهباز، متهم دیگر این پرونده، در ادامه صحبت های امیرحسین مدعی شد که ما حتی متوجه نشدیم حسین کی و از کجا بالا رفت یا از کجا افتاد. درگیر حال خودمان بودیم که صدای سقوط را شنیدیم. بعد از آن با نور چراغ قوه گوشی تلفن همراهمان محل را می گشتیم که ببینیم چه چیزی پایین افتاده و حسین را دیدیم که داخل گودال کنار رمپ پارکینگ ساختمان افتاده است.

مطابقت مدارک با شهادت متهمان

پس از بررسی اظهارات متهمان و بررسی صحنه وقوع حادثه از سوی تیم جنایی، قاضی صفری با اعلام اینکه گفته های شاهدان با مدارک موجود در صحنه و اظهارات کارشناسان پزشکی قانونی مطابقت دارد، فرضیه سقوط از ارتفاع تأیید شد و با اعلام ختم بازسازی این حادثه، ادامه تحقیقات را به حضور دیگر متهم پرونده (احمد) و همچنین نتایج تخصصی سم شناسی به منظور اینکه مشخص شود متوفی مشروبات مصرف کرده یا خیر، منوط کرد و ختم بازسازی اعلام شد.

جدول ۴۰۱۱									
نویسنده	پس از فلان	غذای وطنی	برادر	از احشام	لانزه زنبور	اثر چربی	تنگی نفس	پاسود	نویسنده
زوربای یونانی	کلاه ایمنی	کنسروی ماهی	قند حر	شلوار چسبان	کشور اردوغان	پول گویا رفاه	ریخت و پاش گل نموییدی	نیرومند	
قند نیشکر زخمی				درختی از کاج ها مالیات			آسان گیری پدر تپه	تکیه فرسودگی	
کلام صریح زهر		آفریدگار نامزد	کالای دست دوم اسم تازی		اسباب بازی پرنوسان		تباهی پروردگار		
لاغر شهر آورد				محله ای در غرب کشور			مادر باران انگساز		
الگوی روز قیل و گوش تیز	لحظه افراد زیرک	سوخت موشک					کوک پزشکی شادابی		
آوردن زور و کلاه							گللابی عضوبدن گاو		
سازشکای غذا ابکی									
خبرداشتن نفوذ									



نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۰۵۱
۳۰۰۰۷۲۸۹

پیامک